

مدح و ذم از دیدگاه روایات و آفات آن

طاهره حسینی/دانش پژوه گروه آموزشی فلسفه و دین پژوهی

چکیده :

نگارنده، پیرامون صفات غیر اخلاقی حب مدح و کراهت ذم ضمن تعریف آن دو، به دلایل خشنودی انسان از مدح او و تنفرش از ذکر ذم و بد گویی، پرداخته و آنرا در روایات بررسی کرده است. ایشان در ادامه پس از ذکر آفات مدح و ذم، به اسباب و علل حب مدح پرداخته و به دو راه اساسی در علاج آن اشاره دارد.

مقدمه

وقتی از مدح و ذم سخن می‌گوییم، تشویق و تحذیر به ذهنمان تداعی می‌شود. گویا مدح و ذم به گونه‌ای بار تربیتی دارند که اگر به جا استفاده شوند موجب تشویق به خوبیها و پرهیز از تکرار کارهای ناشایست خواهند شد؛ ولی چنانچه نا به جا استفاده شوند، مانند هر وسیله غیر تربیتی دیگر، اثرات مخربی در نفس انسان به جا خواهند گذاشت.

از نگاه دیگر، توجه به مدح یا ذم دیگران شاید در ابتدای راه، انگیزه‌ای مناسب برای انجام اعمال باشد؛ ولی قطعاً مطلوب این است که هر انسانی، به آن مرحله از رشد نفسانی و شخصیتی برسد که کارهای خود را اولاً براساس معیار و ملاک مشخصی انجام دهد و ثانیاً به

خاطر خوش یا بد آمد دیگران ، هرگز به کار ناشایست رو نیاورده و یا از انجام کار شایسته خودداری نکند.

تعریف « حب مدح » و « کراهت ذم »

در کتاب‌های اخلاقی « حب مدح » و « کراهت ذم » را این گونه تعریف کرده‌اند : « فرد طالب آن باشد که مدح او کنند و خوش آمد او گویند و متنفر باشد از اینکه بدگوئی او کنند. »[□]

دلایل خشنودی انسان از مدح وی و تنفر او از ذم

اما اینکه چرا انسان از مدح خشنود می‌شود و از ذم دلگیر ؛ می‌توان برای آن دلایلی را ذکر کرد :

۱ - اینکه چون کسی انسان را می‌ستاید ، انسان به وجود کمالی در خود پی می‌برد.

۲ - مدح و ثنا، نشانه آن است که ممدوح ، قلب مدح کننده را مالک شده و تسخیر نموده است و به دست آوردن قلوب از کسب اموال محبوبتر است و به همین خاطر، انسان از مذمت و نکوهش ناراحت می‌شود.

۳ - هنگامی که انسان را در ملاعام مدح می‌کنند، هرکس بشنود ، قلبش متوجه ممدوح می‌شود ؛ مخصوصا اگر مدح کننده خودش مورد توجه و اعتناء مردم باشد. (این سبب به مدح آشکار و در حضور دیگران اختصاص دارد)

بعضی از مدایح ، نشانه آن است که ممدوح دارای حشمت و جلالی است که مادح چاره‌ای جز آنکه به مدح و ثنای او زبان گشاید ندارد و چون حشمت و جلال با قهر و غلبه و قدرت همراه است برای صاحبش لذت بخش است.[□]

درجات حب مدح

همچنین برای حب مدح ، درجاتی را ذکر کرده‌اند:

[□] نراقی ، ملا احمد ؛ معراج السعادة ، ص ۶۰۷ .

[□] شبیر، سید عبدالله ؛ الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران ، ص ۳۱۴ و ۳۱۵ ؛ نراقی، محمد مهدی ؛ جامع السعادات،

۱- اینکه فرد ، طالب مدح و آوازه بوده باشد ، به حیثی که به هر نوع ممکن ، در صدد حصول آن برآید . حتی به ریا کردن در عبادات و ارتکاب محرماتی که باعث به دست آوردن دل مردم باشد.

۲- اینکه فرد ، طالب مدح و ثنا باشد ولیکن نه به حدی که در تحصیل آن ، متوسل به محرمات شود؛ بلکه به واسطه امور مباح، هر قدر که حاصل شود به آن اکتفا کند.

۳- اینکه فرد ، طالب مدح و ثنا نباشد و سعی در حصول آن نکند ؛ اما اگر کسی مدح او گوید شاد شود.

۴- اینکه فرد سعی در حصول مدح نکند ؛ اما چون کسی او را مدح کند به نشاط آید ولی از این نشاط و سرور دلگیر باشد.[□]

نتایج حب مدح و کراهت ذم

اما نتیجه حب مدح و کراهت ذم ، این است که فرد درصدد برمی آید تا گفتار و کردار خود را پیوسته بروفق خواسته دیگران ترتیب دهد به امید اینکه مدح او را گویند و از ترس اینکه مذمت او را کنند و مطلقاً ملاحظه رضای خالق را نکرده و چه بسا باشد که واجبات را ترک نماید و محرمات را مرتکب شود و از حق و انصاف تعدی نماید.[□]

بدین خاطر ، در احادیث ، حب مدح بسیار مورد نکوهش واقع شده است :

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: « ویل للوائم و ویل للقائم و ویل لصاحب التصوف إلا من تزهد نفسه عن الدنيا و أبغض المدح و استحب المذمة».[□]

حضرت علی (علیه السلام) آن هنگام که کسی ایشان را مدح می کرد می فرمودند : خدایا بر من بیخش آنچه را که اینها نمی دانند و مرا به گفتار اینان مواخذه مکن و مرا بهتر از آنچه گمان می کنند قرار بده.[□]

در احادیث دیگری افراد از مدح دیگران نیز بر حذر شده اند:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند : ((ألا لا تمادحوا! و اذا رأیتم المداحین فاحشوا فی وجوههم التراب))[□].

□. نراقی، احمد، معراج السعادت، ص ۶۰۸ و ۶۰۹؛ نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۶۸ و ۳۶۹.

□. نراقی، احمد، معراج السعادت؛ ص ۶۰۷ و ۶۰۸؛ نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۶۷.

□. نراقی، محمد مهدی؛ جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۶۷.

□. شبیر، سید عبدالله، الاخلاق، ص ۲۴۵.

□. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۶۷.

و نیز فرمودند: ((ذبح الرجل أن تزكیه فی وجهه)): سربریدن مرد آن است که در حضورش تمجید وی کنی.[□]

آفات مدح و دم:

علت این تحذیرها آفاتی است که در این عمل وجود دارد. در این زمینه شش آفت را می‌توان برشمرد که چهارتای آن متوجه مادح و بقیه متوجه ممدوح است.

آفات مادح:

۱ - گاهی مادح در مدح افراط می‌کند و افراط منجر به دروغ می‌شود.

۲ - گاهی مادح دچار ریا می‌شود؛ زیرا قاعده اصلی در مدح آن است که مدح وسیله‌ای برای اظهار حب به ممدوح باشد؛ ولی گاه می‌شود که خود مادح به آنچه می‌گوید معتقد نیست و حبی در دل ندارد، و لذا گرفتار ریا و نفاق می‌شود.

۳ - بسیار اتفاق می‌افتد که مادح بدون تحقیق در حق ممدوح چیزهایی می‌گوید که نه از آنها اطلاع دارد و نه برای اطلاع یافتن راهی پیش رو دارد. (یعنی مطلب از مقوله‌ای نیست که بتوان از آن مطلع شد مانند نیت خیر)

۴ - گاهی ممدوح فاسق یا ظالم است و مادح باعث خوشحالی و سرور او می‌شود و خوشحال کردن فاسق، حرام است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: ((هنگامی که فاسق، مدح شود خدای تعالی به غضب می‌آید.)) ((إن الله لیغضب إذا مدح الفاسق)).[□]

آفات ممدوح:

۱- در بیشتر موارد مدح باعث ایجاد کبر و خود پسندی در ممدوح می‌شود و این دو از مهلکات هستند.

۲- در بعضی موارد اگر کسی را به نیکی مدح و ثنا گویند، خوشحال و مسرور و از خود راضی شده و در راه خیر سست می‌شود.^{□□}

بنابراین مدحی که خالی از این آفات باشد، مشمول مذمت نیست و اسباب و علل حب مدح بلکه حتی مدحی چون مدح معصومین از ثواب فراوانی هم برخوردار است.^{□□}

□ پاینده، ابوالقاسم، ش ۱۶۱۷.

□ شیر، سید عبدالله، الاخلاق، ص ۲۴۵ و ۲۴۴.

□□ همان، ص ۲۴۵.

□□ همان، ص ۲۴۵.

برای معالجه حب مدح باید اسباب و علل آن را شناسایی و سپس به درمان پرداخت. ذیلا " به دو علت اشاره می شود:

اول اگر انسان احتمال دهد که مدح در مدح خود صادق نیست لذتی که از احساس کمال در خود می برد زائل می شود و همچنین لذتی که از احساس تسلط بر قلب مدح ایجاد می شد خود به خود از بین می رود.

دوم باید انسان فکر کند صفتی که او را به خاطرش مدح می کنند آیا واقعا " وجود دارد یا نه، اگر چنین صفتی در او نیست، در حقیقت، کمالی، وهمی و خیالی است و اگر دینی باشد البته منوط به خاتمه کار است.^{□□}

انسان اگر این گونه بیندیشد از آفات ممدوح در امان خواهد بود و از لذت کاذب و احساس کمال کاذب دور خواهد شد. اگر انسان در محیطی باشد که ارزشها برآن، حاکم بوده و پیوسته خوبها و خوبی ها مورد مدح و تشویق قرار گیرند، شاید عمل کردن بر اساس خوشایند دیگران، صرف نظر از بعد شخصیتی، منجر به عملی جز عمل به خوبی ها نشود؛ اما خطر حب مدح آنجا روشن می شود که فرد در محیطی واقع شود که ارزشها برآن حاکم نیستند و ضد ارزشها مورد توجه قرار می گیرند، در چنین شرایطی سعی در فراهم نمودن رضایت دیگران قطعاً " فرد را به اعمال ناشایست می کشاند.

به عنوان مثال می توان به جوانانی اشاره کرد که شخصیت قوی و شکل گرفته با معیارهای مشخص و مطلوبی ندارند. اینان اگر در معرض دوستانی ناباب و یا در محیطی فاسد قرار گیرند، می توان ادعا کرد که جرأت ابراز مخالفت با جو حاکم را نداشته، برای کسب رضایت دوستان و یا از ترس طرد شدن از محیط، به هر عملی دست زنند. اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند ((انما هلك الناس باتباع الهوى و حب الثناء))^{□□} شاید ناظر به چنین جریانی باشد. این احادیث، و آن حذرها، ما را بر آن می دارد که بار دیگر در اعمال و رفتار خویش بیندیشیم، معیارهایمان را بازسازی کنیم و مدح و ذم را در مورد دیگران نیز با هوشیاری به کار بندیم تا از آفات آن در امان بوده و از فوایدش محروم نمائیم.

منابع

• نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، چ اول، انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ش.

□□. همان، ص ۳۱۵.

□□. همان، ص ۳۱۰.

- شبر، سيد عبدالله؛ الاخلاق، ترجمه: محمد رضا جباران، انتشارات هجرت،
چ ششم
- عراقی، محمد مهدي؛ جامع السادات، ج ۲ . نجف: مطبعة النجف، چ دوم، ۱۳۸۳ ق .